



## اختلال وسواسی - اجباری: مروری بر بازنمایی‌های درونی اختصاصی در یک نظریه شناختی گسترده‌تر

شاید در فهم علت‌شناسی، رشد علایم، درمان یا حتی پیشگیری از OCD کمک کننده باشند.

مفهوم استعداد به OCD با درک مجموعه «خود» و «بازنمایی جهان» ممکن است به فهم ما از این اختلال ناتوان کننده کمک کند. تحقیقات آینده بهتر است ابتدا ارتباط بین علایم وسواسی - اجباری و ساختار اختصاصی خود و جهان را مورد بررسی قرار دهد. تعیین این ارتباط با توجه به عقاید شناختی شخص حائز اهمیت می‌باشد. نتایج این تحقیقات می‌تواند در تعیین عوامل مؤثر در سبب‌شناسی مانند عوامل نوروپسیکولوژیک، تصمیم‌گیری و سوگیری پردازش اطلاعات کمک کننده باشد. برای کشف بیشتر استعداد به OCD بهتر است ارتباط بین بازنمایی‌های درونی و الگوی خاص تربیت فرزند مورد بررسی بیشتر قرار گیرد و تمام این تحقیقات می‌توانند در کشف سبب‌شناسی، فهم بهتر استعداد ابتلا به OCD، مداخله زودتر و مدل‌های درمانی کمک کننده باشند.

حساسیت به حوزه‌های خود<sup>۵</sup> و یا شناخت‌های همراه، احساس خود ارزشی<sup>۶</sup> شخص را به خطر می‌اندازد و موجب اضطراب بسیار شدید می‌شود؛ عقاید خاص در مورد ماهیت و طبیعت جهان (مانند نحوه کنترل محیط) می‌تواند موجب پیشرفت بیشتر علایم OCD با افزایش نیاز به کنترل محیط شود. دریافت‌های عمومی از تهدیدات محیط موجب افزایش بیشتر هوشیاری<sup>۷</sup> نسبت به سرخ‌های خطر می‌شود. در نهایت این مقاله به این نتیجه می‌رسد که فهم شفاف‌تر از عملکرد والدین می‌تواند با شناخت الگوی تربیت به دریافت‌های مشخص از خود و جهان منجر شود که این در پیشرفت علایم وسواسی - اجباری مؤثر است.

این مقاله توجه خاص خود را به چندین حوزه جدید از تحقیقات OCD، به خصوص مدل‌های شناختی - رفتاری قدیمی تر معطوف کرده است که به نظر می‌رسد هدف آن افزایش فهم پدیده وسواس با استفاده از ساختارهای شناختی - عاطفی باشد که ممکن است اشخاص را مستعد پیشرفت علایم وسواسی - اجباری کند. این مقاله همچنین عوامل احتمالی را که ممکن است در رشد این ساختار نقش داشته باشند مورد بررسی قرار داده است تا

اختلال وسواسی - اجباری (OCD) یکی از ناتوان کننده‌ترین اختلالات اضطرابی است. اگرچه برای این اختلال دامنه گسترده‌ای از علل مطرح شده، اما مدل‌های شناختی - رفتاری نیز مورد تأیید تجربیات آزمایشگاهی است و می‌تواند ارائه کننده درمانی مؤثر برای آن باشند. این مدل‌ها بیشتر بر عواملی تکیه دارند که بر تداوم و تشدید علایم متمرکزند تا استعداد ابتلا به اختلال از دیدگاه رشدی. وقتی تحقیقات در زمینه شناختی، رشدی و دلبستگی<sup>۱</sup> با هم در نظر گرفته شوند، نتایج نشان می‌دهد که یک ساختار شناختی - عاطفی<sup>۲</sup> مانند بازنمایی درونی از خود<sup>۳</sup> و جهان ممکن است عامل مهمی در استعداد شناختی برای ابتلا به OCD باشد. به علاوه نتایج تحقیقات و فرضیه‌های مربوطه، ارتباط محکم این بازنمایی درونی و روابط اولیه والدین و کودک را نشان می‌دهد؛ مثلاً اینکه تجارب اولیه دلبستگی، در رشد بعدی مفهوم خود-پنداره<sup>۴</sup> مؤثر است.

این مقاله در ادامه به این موضوع می‌پردازد که یک ساختار مشخص خود، که شامل حوزه‌های محدودی از حساسیت‌ها و دریافت‌های خطرناک ولی قابل کنترل از جهان است، استعداد به OCD را به وجود می‌آورد. افکار مهاجم مربوط به ناتوانی در

1- attachment  
2- cognitive-affective  
3- self  
4- self-concept  
5- self-domain  
6- self-worth  
7- vigilance

Doron, G., & Kyrios, M. (2005). Obsessive compulsive disorder. A review of possible specific internal representations within a broader cognitive theory. *Clinical psychology Review*, 25, 415-432.

ترجمه و تلخیص: دکتر علی فرهودیان